



A STUDY OF HYSTERIA (TABARRUJ) TREATMENT STRATEGIES FROM THE PERSPECTIVE OF THE QURAN AND PSYCHOLOGY

(Received: 14 May 2021 / Accepted: 23 July 2021)

Mahmoud Va'ez¹

Leila Kamali²

Seyed Majid Nabavi³

ABSTRACT

Hysteria (Tabarruj) and showing off are among the issues that the Holy Quran and the new psychology have dealt with in detail. Hysteria is a type of disorder that is condemned by the Holy Quran, and psychology discusses it as a mental illness. This study seeks to explain the factors that exist in the treatment of this illness from the perspective of the Qur'an and psychology. In other words, what strategies have the Qur'an and psychology stated for the treatment of hysteria? The collection of materials in this writing is library and the method of processing them is descriptive-analytical. After researching, it was determined that remembering God and believing in Him is the most important treatment for hysteria. Attention to family and children also prevents hysterical disorders. Hijab and lowering the gaze also keep the person away from provocation and hysterical spirit. Marriage can also be mentioned as an important factor in its treatment; Also, divine piety and performing acts of worship such as fasting and prayer reduce this disease and lead one to divine pleasure and avoidance of indecent acts such as showing off. Repentance is also effective in the treatment of hysteria, which also calms the person and keeps the person away from this disease. Seeing a psychiatrist is another way to treat this condition.

KEYWORDS: Hysteria, Tabarruj, Treatment of Hysteria, the Quran, Psychology.

1- Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. mvaezi@ut.ac.ir

2- Master's degree, Quranic sciences, University of Holy Quran Sciences and Teachings, Qom, Iran, (Corresponding Author). Leilakamali64@yahoo.com

3- PhD student, Quran and Hadith Sciences, Arak University, Arak, Iran. Majidnabavi1366@gmail.com

بررسی راهکارهای درمان هیستریک از منظر قرآن و روان‌شناسی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۱)

محمود واعظی^۱، لیلا کمالی^۲ سید مجید نبوی^۳

چکیده

هیستریک یا تبرج و خودآرایی از جمله مسائلی است که قرآن کریم و روان‌شناسی جدید به صورت مفصل به آن پرداخته است. هیستریک یک نوع بیماری است که مورد نکوهش قرآن کریم است و روان‌شناسی نیز از آن به عنوان اختلال روانی بحث می‌کند. این پژوهش در صدد این است تا عواملی که در درمان این بیماری وجود دارد از منظر قرآن و روان‌شناسی بیان شود. به عبارت دیگر، این که قرآن و روان‌شناسی چه راهکارهایی را برای درمان هیستریک بیان کرده‌اند؟ جمع‌آوری مطالب در این نگارش کتابخانه‌ای بوده و روش پردازش به آن‌ها توصیفی-تحلیلی است. پس از بررسی‌ها مشخص شد که یاد خدا و ایمان به او، مهم‌ترین راهکار درمان هیستریک است. توجه به خانواده و فرزندان نیز مانع بروز اختلال‌های هیستریکی می‌شود. حجاب و حفظ نگاه نیز فرد را از تحریک و روحیه هیستریکی دور می‌کند. از ازدواج نیز می‌توان به عنوان عامل مهم در درمان آن نام برد؛ همچنین تقوای الهی و انجام عباداتی مانند روزه و نماز از این بیماری می‌کاهد و فرد را به سمت رضای الهی و دوری از اعمال ناپسند مانند خودنمایی سوق می‌دهد. توبه نیز در درمان هیستریک مؤثر است که سبب آرامش در فرد نیز می‌شود و فرد را از این بیماری دور می‌کند. رجوع به پزشک روان‌درمان نیز یکی دیگر از راهکارهای درمان این بیماری است.

واژگان کلیدی: هیستریک، تبرج، درمان تبرج، قرآن، روان‌شناسی.

۱- دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران. mvaezi@ut.ac.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. (نویسنده مسئول).
Leilakamali64@yahoo.com

۳- دانش‌آموخته دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران. Majidnabavi1366@gmail.com

مقدمه

زن به طور غریزی به آراستگی گرایش داشته و دوست دارد در معرض توجه دیگران باشد. این آراستگی وقتی به حالت افراط در آید شکل خودنمایی و تبرّج به خود می‌گیرد که در روان‌شناسی به آن اختلال شخصیت نمایشی یا هیستریک می‌گویند و عوارض و خطراتی برای فرد و جامعه به دنبال می‌آورد. از آنجا که تبرّج ناشی از بیماری‌های روانی به نام هیستریک است، ضرورت دارد که نخست مسئله تبرّج و هیستریک خوب شناخته شود؛ سپس راهکارهای درمان آن ارائه شود تا اگر فردی بدان دچار شد، بتواند سلامتی معنوی خود را در این زمینه به دست آورد.

درباره زمینه‌ها و علل پیدایش هیستریک باید گفت که دانشمندان زمینه‌ها و علل پیدایش هیستریک مختلفی را برای آن بیان کرده‌اند و برخی معتقدند که نمی‌توان به دلیل روشن و مشخصی اشاره نمود و به علت تغییرات در اصطلاحات، در مورد شیوع هیستریک اطلاعاتی در دسترس نیست. علل هیستریک نامعلوم است و بیماران زمینه محرومیت زیادی داشته‌اند (هارلد، بنیامین، ۱۳۶۹: ۱۳۴). فروید، هیستریک را نوعی تغییر غریزه جنسی که به صورت حرکات غیرعادی تغییر نموده است، می‌داند و نیز معتقد است که ضربات روانی و جنسی سنین کودکی باعث می‌شود که شخصیت بیمار در مراحل اولیه ابتدایی رشد جنسی یعنی مرحله ژنیتال ثابت بماند و بیماری مانند کودکی در مقابل شدايد عكس‌العمل نشان دهد؛ یعنی برای رسیدن به هدفی از وسایل ابتدایی ارضا تمایلات استفاده کند. بر اساس آمار، هیستریک ۲۰ مرتبه در زنان بیشتر از مردان است (همان: ۱۳۵).

برخی علت اصلی هیستری را همنشینی و دریافت از دیگران می‌دانند و معتقدند که هیستریک مسری است و از شخص بیمار به مستعد سرایت می‌کند (جلیلی، ۱۳۵۵: ۵۵). برخی دیگر رفتار اغواگری والدین را عامل هیستری در فرزندان می‌دانند (دیویدسون، بی تا: ۴۹۸). مهم‌ترین ویژگی مبتلایان به این اختلال، تمایل شدید به خودنمایی و جلب توجه است که برای تأمین این هدف، به کارهای غیرعادی از جمله پوشیدن لباس‌های عجیب و جذاب، آرایش‌های تند و نامتعارف و ژست‌های نمایشی خاص دست می‌زنند. در این بیماری، فرد علاقه زیادی به جلوه‌گری دارد. این بیماری منشأ روحی و روانی دارد و یکی از آثار و نشانه‌های بیماری افسردگی در فرد است. چنین افرادی برای ارضای بیماری خود پیوسته به دنبال مدل‌های بهتر، بالاتر، زیباتر و جذاب هستند.

در تحقیق پیش رو به درمان هیستریک از دیدگاه قرآن و روان‌شناسی پرداخته خواهد شد. کتاب‌های زیادی در زمینه تبرّج نوشته شده است؛ مانند پُژمردگی گل یا عواقب بی‌عفتی و بی‌حجابی از محمدحسین اسوده که فقط به عوامل و آثار تبرّج پرداخته و یا مانند بررسی حجاب از دیدگاه قرآن و سنّت از مرضیه قاسمی که فقط به تبرّج از دیدگاه قرآن پرداخته است و این اولین تحقیقی است که به صورت میان‌رشته‌ای از دو دیدگاه قرآن و روان‌شناسی به این مسئله پرداخته و تبرّج را با هیستریک یا اختلال شخصیت نمایشی در روان‌شناسی تطبیق داده است.

۱- مفهوم شناسی

پیش از ورود به بحث لازم است معنای هیستریک و تبرّج روشن شود؛ سپس به ادامه بحث پرداخته شود تا هم خلط معنایی به وجود نیاید و هم مفهوم واژگان روشن تر شود.

۱-۱. هیستریک

امروزه لفظ هیستریک حداقل در نه مورد به کار می‌رود. هیستریک (hysteria) در زبان انگلیسی به معنای هیجان و ابزار احساسات شدید و بی‌معنی است (حییم، ۱۳۸۰: ۴۴۷). در اینجا منظور از هیستریک افرادی با ویژگی‌های شخصیتی وابسته، خودمحور، نیازمند به جلب توجه دیگران، همراه با ابراز رفتارهای نمایشی و بیانات اغراق‌آمیزند که عواطف متغیر و سطحی دارند. (صادقی، ۱۳۸۱: ۸۰).

این افراد برای مورد جلب توجه به شیوه‌های مختلف متوسّل می‌شوند، از پوشیدن لباس‌های زننده تا عشوه‌گری و رفتارهای اغواگرانه که گاهی رنگ و بوی جنسی به خود می‌گیرد (گلشنی، ۱۳۸۸: ۴۰). روان‌شناسان به دلیل این که این گونه افراد رفتار نمایشی برای جلب توجه دارند، اختلال شخصیت هیستریک را در فارسی نمایش‌گر ترجمه کرده‌اند (علیزاده، ۱۳۷۱: ۵۴). آن‌ها این کار را به خاطر عزّت‌نفس پایین‌شان انجام می‌دهند (دیویسیون، ۱۳۸۸، ۲: ۴۹۸). از دیگر خصوصیات این افراد این است که هیجان‌پذیر و احساساتی هستند و در ابراز هیجان‌ات خود بسیار مبالغه می‌کنند (کاپلان و سادوک، ۱۳۶۹: ۱۳۳) که به عقیده برخی این مبالغه به خاطر اجتناب از احساس پوچی است که در مورد خود دارند (گلشنی، ۱۳۸۸: ۴۰). خصوصیت دیگر آن‌ها این است که بسیار تلقین‌پذیرند و به راحتی تحت تأثیر دیگران

قرار می‌گیرند (دیویدسون، بی‌تا: ۱۳۰). همچنین توقع زیاد از دیگران دارند و به خواسته‌های دیگران بی‌توجه هستند و افرادی از خود راضی که دوست دارند به خاطر سر و وضعشان مورد توجه قرار گیرند (بارنت و یگک، ۱۳۸۸: ۴۳). از دیگر ویژگی‌های آن‌ها، وابستگی (به اطرافیان خود) و درماندگی و جستجوی مداوم اطمینان است (اخوت، ۱۳۶۲: ۷۱).
مهم‌ترین مسئله‌ای که این افراد دارند و تحقیق پیش‌رو بر آن تأکید دارد رفتارهای جنسی اغواکننده است. روان‌کاوان معتقدند که قسمت اعظم اعمال هیستریکی به علت اختلالات جنسی ایشان است. اگر بیمار زن باشد، عشوه‌گری زیاد از حد و خودآرایی بی‌جا و زننده، عدم تثبیت عشق و علاقه بر روی فرد و تعویض مرتب معشوق از خواص آن است و در صورت ازدواج بیشتر به علت اختلالات زناشویی و ناسازگاری، به طلاق می‌انجامد (جلیلی، ۱۳۵۵: ۵۸-۵۶).

۲-۱. تبرّج

تبرّج در لغت به معنای اظهار نیکویی‌ها و محاسن یا خارج شدن از محل سکونت است که لازم آن آشکار شدن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۵). در اصطلاح به اظهار شهوت‌انگیز نیکویی‌ها و زیبایی‌های زنان در برابر مردان بیگانه گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۱: ۳۵۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۳: ۲۹۴) که ممکن است در رفتار، گفتار، حرکات یا هر عمل دیگری اتفاق افتد (مصطفوی، ۱۳۷۴، ۱: ۲۴۳).

واژه تبرّج در قرآن و در آیه ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ (احزاب: ۳۳) به کار رفته است، آیه می‌فرماید که ای زنان پیغمبر از خانه‌های خود بیرون نیاید و به خودنمایی نپردازید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۶: ۳۰۹). مفسران تبرّج را به معنای خودآرایی و طنّازی (طبری، ۱۴۱۵ق، ۲۲: ۶) یا راه رفتن با ناز و کرشمه (طوسی، بی‌تا، ۸: ۳۳۹) یا هرگونه اظهار زینت و زیبایی در برابر مردان بیگانه دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۵ق، ۲۲: ۶) گروهی دیگر نیز به ذکر برخی مصادیق چون راه رفتن در فاصله نزدیک با مرد بیگانه پرداخته‌اند (ماوردی، ۱۴۱۲ق، ۵: ۳۹۹-۴۰۰).

آیه به جاهلیه‌الاولی اشاره دارد و برخی مفسران مراد از جاهلیه ثانیه را عصر کنونی می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۲۹۰؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ۹: ۳۶۰) که زن‌ها زینت کرده بیرون می‌آیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۷: ۲۹۰). برخی از مفسران نیز هدف از این نهی (نهی

از تبرّج) صلاح و حفظ جامعه می‌دانند (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ۱۰: ۴۴۰؛ مدرسی، ۱۳۷۷، ۱۰: ۳۵۹). این آیه گرچه خطاب به همسران پیامبر آمده است، اما حکم آن عام و شامل همه زنان می‌شود (قرطبی، ۱۴۱۷ق، ۱۴: ۱۱۷).

لازم به ذکر است که حضرت زهرا^(س) نیز بهترین حالت برای زن را این می‌داند که نه مردی او را ببیند و نه او مردی را ببیند (سورآبادی، ۱۳۸۰، ۳: ۱۹۶۸). این معنا با آیه فوق تطابق دارد و مراد از آن این است که زنان از تبرّج و خودنمایی پرهیز کنند.

۲- درمان هیستریک از منظر قرآن و روان‌شناسی

اختلال شخصیت هیستریک نیز مانند سایر اختلال‌های روانی، قبل از هر نوع تجویز دارویی، باید از طریق روان‌درمانی بررسی و درمان شود. در قرآن و روانشناسی راهکارهایی برای درمان هیستریک وجود دارد روانشناسان معتقدند که ابتدا باید رفتار فرد هیستریک به طور کامل آنالیز شود. (کاپلان و سادوک، ۱۳۶۹: ۱۳۵). به طور طبیعی بعد از آنالیز می‌توان راهکارهای مناسبی ارائه کرد. قرآن کریم نیز به طور کلی راهکارهایی را برای درمان هیستریک بیان می‌کند که در ادامه به راهکارهای درمان هیستریک از منظر قرآن و روان‌شناسی پرداخته می‌شود.

۱-۲. ایمان به خدا و ذکر او

ایمان از مادّه امن به معنای طمأنینه داشتن روح و زایل شدن ترس است و در اصطلاح قرآن در موارد ذیل استعمال شده است: ۱. اقرار به خداوند و شریعت پیامبر^(ص)، ۲. اعتقاد قلبی به حقّ همراه با تصدیق و ۳. اعتقاد داشتن، گفتار راست و عمل صالح (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۹۰).

مهم‌ترین راه درمان هیستریک، ایمان به خدا است. ایمان به خدا مایه آرامش است و سبب می‌شود که فرد به دنبال رضایت خدا و اطاعت از اوامر الهی و پرهیز از نواهی باشد. ایمان به خدا سبب ایجاد تغییرات مثبت در شخصیت می‌شود و یکی از روش‌های کم‌هزینه، بدون عارضه و فوق‌العاده است که به سرعت بیماری هیستریک را بهبود می‌بخشد و فرد را به انسانی سرزنده و موفق مبدّل می‌سازد. خداوند در آیه ۸۲ سوره انعام می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ يُهْتَدُونَ﴾؛ کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را

به شرک نیالوده‌اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند. بنابراین ایمان سبب ایجاد امنیت و آرامش در فرد می‌شود، فرد را به سمت سلامت روانی سوق می‌دهد و از بیماری‌های روانی از جمله هیستریک دور می‌کند.

درباره ذکر هم باید گفت که ذکر، به معنای به یاد آوردن یا به زبان آوردن چیزی است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ۵: ۴۸) «ذکر» همان تذکر، در برابر غفلت و فراموشی است که اعم از تذکر به قلب و زبان است (مصطفوی، ۱۳۷۴، ۳: ۲۹۷). مراد از ذکر خدا، در نظر داشتن خدا و یاد او است که گاهی زبانی، گاه عملی و گاهی در ذهن و قلب است. ذکر خدا نیز سبب آرامش روانی انسان می‌شود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸). روان‌شناسان نیز بر این که ایمان به خدا و یاد او سبب آرامش می‌شود، اتفاق نظر دارند و بر نقش تعیین‌کننده ایمان در تأمین آرامش روح انسان تأکید می‌کنند (جعفری، ۱۳۷۶، ۵: ۵۴۰).

یاد خدا سبب درمان بیمارهای روان می‌شود؛ به‌طوری که امام علی (ع) می‌فرماید: «ذکر الله دواء أعلال النفوس»؛ یاد خدا داروی انواع بیماری‌های روان است (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵: ۱۸۸). در بیماری هیستریک، شخص به دنبال جلب توجه دیگران است اگر ایمان به خدا و یاد او در فرد بیمار تقویت شود، از توجه به غیر خدا کاسته می‌شود و فرد کم‌کم از هیستریک فاصله خواهد گرفت. بنابراین ایمان به خدا و یاد او مهم‌ترین راه درمان هیستریک است؛ چنانچه در روان‌شناسی نیز شخص به دلیل حس تنهایی و نداشتن عزت نفس در پی جلب توجه است با تقویت عزت نفس و انس و ایمان به خدا این اختلال برطرف می‌شود (سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۵).

۲-۲. محاسبه و خوددرمانی

یکی دیگر از راهکارهای درمان هیستریک محاسبه و خوددرمانی است منظور از محاسبه این است که فرد به دقت اعمال خود را به‌خصوص اعمال هیستریکی را مورد دقت قرار داده و ریشه، عوامل و نتایج آن را بررسی نماید، سپس اقدام به درمان آن کند.

هارلد کاپلان معتقد است که بهترین تکنیک روان‌درمانی برای این قبیل افراد (مبتلایان به هیستریک)، استفاده از فن روان‌تحلیلی است که از آن طریق، در موقعیت‌ها و زوایای مختلف، از بیمار و رفتارهای او فیلم گرفته می‌شود، سپس بیمار به همراه روان‌شناس خود، به تماشای فیلم می‌نشیند و روان‌شناس، به آنالیز رفتارها و علایم هشداردهنده بیمار می‌پردازد.

بیمار نسبت به وضعیت خود، بینش پیدا کرده و سپس به مقایسه اوضاع روانی و رفتاری خود با افراد عادی جامعه می‌پردازد (کاپلان و سادوک، ۱۳۶۹: ۱۳۵).

قرآن و روایات به این روش، «محاسبه و بررسی احوال نفس» می‌گویند که نمونه آن «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و زنوها قبل ان توزنوا» است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۶: ۹۹). این روایات به فرد توصیه می‌کند که انگیزه‌ها و عوامل روانی خود را تحت مداقه و کنجکاوی عادلانه قرار بدهد تا بتواند راه درست علاج و نیاز آن‌ها را پیدا کند و بین آن‌ها تعادل و هماهنگی برقرار سازد (صانعی، ۱۳۸۲: ۱۷۵) که در قرآن در آیه ۱۰۵ سوره مائده به آن پرداخته شده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾**. شاید مقصود آن است تا ما از عقده‌های خود آگاه گردیم و به صراحت با آن روبه‌رو گردیم؛ زیرا در آن صورت است که می‌توانیم آن را درمان کنیم (همان).

بنابراین یکی دیگر از راهکارهای درمان هیستریک، محاسبه و خوددرمانی که در آن فرد، مشکلات روحی و روانی خود را مورد بررسی قرار می‌دهد و آن را درمان می‌کند.

۳-۲. توجه خانواده به فرزندان

یکی از علل بیماری روانی هیستریک کم‌توجهی خانواده به فرزندان است. توجه کم والدین به فرزندان سبب می‌شود که این افراد سعی کنند تا از خارج از خانواده نیاز خود به توجه را تأمین کنند. معمولاً این افراد دچار ناامنی شدیدی در اجتماع می‌شوند و برای آن‌که احساس امنیت بیشتری داشته باشند، از پوشش‌ها و ظواهر نابهنجار استفاده می‌کنند تا توجه اطرافیان را به خود جلب کنند؛ اما این رفتار آن‌ها نتیجه عکس داشته و سبب به وجود آمدن بیشترین آسیب‌های اجتماعی و در نهایت، ناامنی بیشتر آنان برای حضور در اجتماع می‌شود. در قرآن کریم به محبت و توجه به خانواده بسیار تأکید شده است. خدای سبحان، از همان مرحله آغاز تشکیل خانواده، یعنی پیوند ازدواج، به «میثاق غلیظ» یا پیمان محکم یاد نموده است: **﴿وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا﴾** (نساء: ۲۱)؛ همچنین در آیه ۷۲ سوره نحل، خانواده با عنوان «نعمت الهی» یاد شده است.

روان‌شناسان نیز معتقدند هرگاه کودک در محیطی آرام و اطمینان‌بخش رشد کند، در حالی که از عطوفت و نوازش والدین و اطرافیان برخوردار باشد، در بزرگی دارای رشد کامل روحی و جسمی خواهد بود و فردی معتدل می‌شود و از بروز اختلال‌های روحی به

دور خواهد ماند (برک، ۱۴۰۰: ۱۳۰). بنابراین توجه خانواده به فرزندان یکی دیگر از عوامل درمان یا پیشگیری از ابتلا به هیستریک است.

۴-۲. داشتن حجاب و عزت و کرامت نفس

یکی دیگر از راهکارهای درمان هیستریک، داشتن حجاب و عزت و کرامت نفس است. حجاب، در لغت به معنای پرده، پوشش و حایل بین دو شیء است. زن محجوب، زنی است که با پوششی، پوشیده باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۳: ۵۰ و ۵۱) منظور از حجاب پوشاندن زن بر طبق موازین شرع در برابر نامحرم است.

حجاب مانند دیگر احکام اسلام به‌عنوان نشانه‌ای از یک مکتب و ایدئولوژی به زنان باحجاب احساس ارزشمندی می‌دهد و تبرج و بدحجابی، نشانه کمبود کرامت نفس یا همان عزت نفس است. برخی پژوهشگران بر این باورند که ریشه تبرج و بدحجابی احساس خلأ و کمبود عاطفی است و افراط در تبرج و خودنمایی، عامل حقارت و تشدیدکننده آن است (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۲۶). یکی از علل شیوع هیستریک در بین زنان این است که آن‌ها می‌خواهند از راه خودنمایی و جلب توجه در برابر جنس مخالف، برای خود پایگاه شخصیتی بنا کنند و موفق نمی‌گردند، بنابراین دچار هیستریک می‌شوند (همان: ۱۲۹). در این صورت، حجاب یکی از مهم‌ترین راهکارهای درمان هیستریک است که مانع از تبرج و خودنمایی می‌شود.

درباره عزت نفس هم باید گفت که روان‌شناسان عزت نفس را «احساس ارزشمند بودن» می‌دانند که همه انسان‌ها بدون استثنا به آن نیازمندند. این احساس بر روی همه سطوح زندگی اثر می‌گذارد. در حقیقت، بررسی گوناگون روان‌شناسی حاکی از آن است که چنانچه نیاز به عزت نفس ارضا نشود، نیازهای گسترده‌تر مثل نیاز به پیشرفت یا درک استعداد بالقوه محدود می‌ماند (کلمز، کلارک و بین، ۱۳۷۵: ۱۱). عزت نفس سبب می‌شود که فرد خود را از اعمال سطح پایین هیستریکی دور کند؛ چراکه فرد خود را ارزشمندتر از آن می‌داند که در معرض تبرج و خودنمایی قرار دهد.

قرآن کریم نیز به کرامت و ارزش نفس انسان اشاره کرده و می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسرا: ۷۰)؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از

آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. اگر فرد به کرامت الهی که به او اعطا شده و ارزش و کرامت نفس خود پی ببرد، بی‌شک با تبرّج، خود را در معرض دید دیگران قرار نمی‌دهد و کرامت خویش را حفظ می‌کند.

در کل می‌توان گفت اگرچه تبرّج و بدحجابی احساس خلأ و کمبود عاطفی است که در آن‌ها به وجود آمده است، ولی عکس مطلب هم صحیح است؛ یعنی افراط در تبرّج و خود نمایی می‌تواند عامل حقارت و تشدیدکننده آن نیز باشد؛ زیرا باعث می‌شود زن دارای شخصیتی وابسته باشد. شخصیتی که به خواسته‌های مردان هرزه وابسته است. مردانی که حاضرند برای ارضای خود کرامت زن را قربانی کنند (رجبی، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

در نهایت باید گفت حجاب و کرامت نفس از عوامل مهم و بازدارنده هیستریک و راه درمان آن هستند که فرد با توجه به آن‌ها می‌تواند از هیستریک دور شود.

۲-۵. حفظ نگاه

حفظ نگاه توسط فرد دارای هیستریک یا حفظ نگاه توسط دیگر افراد نسبت به فرد دارای هیستریک، سبب کمتر شدن هیستریک می‌شود؛ چراکه اگر این افراد مورد بی‌توجهی قرار گیرند، نسبت به تبرّج دل‌سرد می‌شوند یا اگر خود این افراد کمتر به دیگران نگاه کنند، کمتر به فکر جذب و تبرّج دیگران می‌افتند. بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های درمان هیستریک، حفظ نگاه است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...﴾ (نور: ۳۰ و ۳۱). بنا به این آیه، حفظ نگاه بر مردان و زنان الزامی است (مدرسی، ۱۳۷۷، ۸: ۳۰۱).

در روان‌شناسی به این مسئله پرداخته شده است که مسئولیت میان مرد و زن بر اساس ویژگی‌های بیولوژیکی آن‌ها متفاوت است و ملاحظه می‌شود که خداوند وقتی حجاب را واجب می‌کند، آن را بر زن واجب می‌سازد و هنگامی که به فرو گرفتن چشم امر می‌کند، نخست به مرد فرمان می‌دهد؛ زیرا نگرستن مرد به زن بیشتر برانگیزنده فتنه است تا نگرستن زن به مرد. شاید دیدگان زن و نگاه‌های فتنه‌انگیز وی، مردان را پیش از زنان فاسد کند و این به چگونگی ترکیب فیزیولوژیکی زن و مرد برمی‌گردد و احتمال هم‌سازی مرد با زن در صورتی که مرد به زن بنگرد، بیشتر از آن است که زن به او بنگرد.

در واقع فرد خودنما، از قرار گرفتن در معرض دید دیگران کسب لذت می‌کند. حفظ

نگاه توسط زنان و مردان مؤمن، یک مبارزه منفی با زنان جلوه گر و مبتلا به هیستریک است؛ چون وقتی زنانی که درصد خودنمایی هستند، مورد بی توجهی قرار گیرند، یک اثر تربیتی دارد و آن‌ها را متوجه خواهد ساخت که تنها با این وضع مورد توجه بیماردلانی قرار خواهند گرفت که خود فاقد ارزش انسانی هستند (مدرسی، ۱۳۷۷: ۳۵۲).

۲-۶. ازدواج

بقراط پدر علم پزشکی، ازدواج را برای درمان بیماری هیستریک تجویز کرده است (شیبلی هاید، ۱۳۸۷: ۱۶). قرآن کریم نیز در آیه ۳۲ نور به ازدواج امر فرموده است: ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِيَّ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...﴾. بی شک تأمین نیازهای جنسی، هیستریک و خودنمایی را کاهش می‌دهد؛ همچنین قرآن کریم در آیه ۲۱ سوره روم، به بُعد روانی ازدواج اشاره کرده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ و آن را مایه آرامش و محبت میان زن و مرد می‌داند.

۲-۷. انجام عبادات

یکی دیگر از راهکارهای درمان هیستریک، انجام عبادات است. انجام عبادات مانند نماز، ذکر و غیره که دین اسلام بر پیروان خود واجب کرده است، موجب می‌شود که فرد به سوی رفتار بهتر، برتر، رشد و ارتقای نفس و اجتناب از رفتار زشت و انحرافی و غیرانسانی سوق پیدا کند؛ همچنین انجام منظم و مرتب عبادات در اوقاتی معین و اطاعت از خداوند و امر الهی را به شخص یاد می‌دهد و باعث می‌شود که او همواره با خضوعی کامل در تمام کارها به خداوند نظر داشته باشد؛ همچنین عبادات، سبب ایجاد صبر و تحمل در برابر سختی‌ها، جهاد با نفس و تسلط بر خواسته‌ها و خواهش‌ها در فرد می‌شود. انجام مخلصانه و منظم این عبادت‌ها باعث می‌شود فرد دارای خصوصیتی شود که پایه‌های درست سلامت روانی او را تشکیل می‌دهد و او را از تبدیل شدن به بیمار روانی حفظ می‌کند (نجاتی، ۱۳۷۲: ۳۵۵-۳۵۱).

یکی از عبادت‌ها که خداوند تأکید زیادی روی آن دارد، نماز است. نماز برای جلوگیری از اضطراب و حفظ آرامش دائمی جسم و روان و درمان اختلال‌های شخصیت تأثیر عمیق دارد؛ زیرا نماز گزار، با ایمان به قدرت لایتنه‌ای پروردگار در برابرش خاضعانه سر به سجده می‌گذارد و تنها پناه و یاور مددکاری که کمک می‌کند را خدا می‌داند و با نمازهای پنج‌گانه،

اولاً باورهای اعتقادی را تعمیق می‌کند، ثانیاً ایمنی را به روان خود تلقین می‌کند و سرانجام آرامش عمیق را در وجود خود، ملکه می‌سازد. در مقابل، کسانی که از یاد خدا غفلت می‌ورزند و از آن سرباز می‌زنند، دچار پریشان‌حالی شدید خواهند بود؛ به طوری که قرآن در مورد چنین افرادی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (طه: ۱۲۴)؛ هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سخت و تنگی خواهد داشت. چیزی جز خدا انسان را آرام نمی‌سازد (جعفری، بی تا، ۶: ۶۱۶) و نماز مهم‌ترین وسیله رسیدن به این آرامش در اعصاب و روان است (کارنیجی، بی تا: ۳۵۹). همین آرامش سبب دوری فرد از هیستریک می‌شود.

همچنین زیربنای هیستریک جلب توجه و محبت و تأیید اطرافیان است (ریس، ۱۳۶۴: ۲۹۰). بنابراین اگر فرد بداند که پیوسته عبادت قدرتمندترین و مهربان‌ترین موجود عالم را انجام می‌دهد و او به این فرد توجه دارد و از هیچ نعمت و محبتی نسبت به او دریغ نمی‌کند؛ در نتیجه، نسبت به او عشق و محبت پیدا کرده و در جلب رضایت او سعی می‌کند. همین مسئله سبب می‌شود که از هیستریک فاصله بگیرد؛ همچنین از نظر پیش‌گیری می‌توان گفت که امکان ابتلای نمازگزار واقعی به این قبیل اختلال‌هایی که ناشی از نیاز به توجه اطرافیان و غیر خدا است، بسیار کم خواهد بود.

۸-۲. توبه

یکی دیگر از راهکارهای درمان هیستریک، توبه است. توبه از «توب» و به معنای رجوع و بازگشت است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱: ۳۵۷). توبه از سوی بنده، به معنای بازگشت از معصیت، خطا و پشیمانی از آن است (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ۲: ۶۱).

برخی از پژوهشگران بر این باورند که بسیاری از مشکلات روانی ما به احساس گناهان و اشتباه‌ها برمی‌گردد که اصلاً دوست نداشتیم دچار آن‌ها شویم. درک و احساس گناه، پریشانی، وسواسی و بیماری هیستریک را به بار می‌آورد. تصور بیماری، بدون آن که در بدن عضو بیماری باشد، آشفتگی و بازتاب‌های روانی به دنبال دارد که منجر به اموری مثل عزلت‌نشینی، سستی در کار، بی‌علاقگی به ازدواج، تبرج و... می‌شود (امینی، ۱۳۷۸: ۳۵). همان‌طور که گفته شد توبه به معنای بازگشت از خطا و پشیمانی از آن است. با توبه این احساس گناه از بین می‌رود و فرد کم‌کم در مسیر صحیحی قرار می‌گیرد.

پژوهشگران معتقدند که یکی از عوامل مقابله با فشار روانی، ایجاد تحوّل و انقلاب روحی

در پرتو ایمان به خدا و بازگشت به خویش است. این انقلاب سبب می‌شود انسان قدرتی فوق تصور در خود بیابد و بتواند بر سختی‌ها و فشارها چیره شود (حسینی کوهساری، ۱۳۸۶: ۱۸۶). درباره شرایط توبه گفته شده است که شرط توبه این است که فرد بعد از اعتراف، خودخواهی را کنار بگذارد. در این صورت، حایلی که باعث ناراحتی می‌شود، از بین می‌رود. فرد با درون خود آشتی می‌کند و نباید دیگر آن گناه و خطا را تکرار کند؛ در نتیجه، ضمن اصلاح، دیگر احساس شرم نخواهد داشت و این همان روان‌درمانی است (قریشی، ۱۳۷۶: ۱۰۸).

درباره نتایج توبه هم باید گفت که توبه مانند یک عوامل روانی مراحل و جوانب زیادی را در برمی‌گیرد که به اعاده ساختار شخصیت فرد کمک می‌کند. نخست این که توبه، آرزوی پاک نمودن روح و روان را پیش‌روی انسان پریشانی که گناه‌ها و خطاهایش او را خوار ساخته است، متجلی می‌سازد و این آرزو، او را در یک حالت آرامش روانی قرار می‌دهد. دوم این که توبه موجب احترام ذاتی شخص توبه‌کننده می‌شود و این احترام، احساس او را نسبت به شخصیت خویش نیرومند می‌سازد (طباره، ۱۳۸۳: ۴۴). بنابراین توبه یکی دیگر از مهم‌ترین راه‌های درمان هیستریک است و فرد با توبه علاوه بر احساس آرامش، دیگر به اعمال هیستریکی خود باز نمی‌گردد و از نتایج منفی آن مصون می‌ماند.

۹-۲. مراجعه به پزشک روان‌درمان

یکی دیگر از راهکارهای درمان هیستریک مراجعه به پزشک روان‌درمان است. شخص مبتلا به بیماری روانی و یا هیستریک باید به متخصص روان‌شناسی مراجعه نماید. مراجعه به متخصصان از اصولی است که در زندگی مادی و معنوی نقش اساسی دارد. امروزه با توجه به گسترش روان‌شناسی و ارائه راهکارهای مفید، ضرورت دارد افرادی که دارای بیماری‌های روانی از جمله هیستریک هستند، به روان‌شناسان مراجعه کنند. روان‌شناسان نیز بر اساس بیماری هر فرد، دارویی متناسب با همان فرد را تجویز می‌کنند و راهکارهای مناسبی را ارائه می‌دهند. در قرآن نیز مراجعه به پزشک در آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۴۳)؛ ترجمه: و پیش از تو جز مردانی که به آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم. اگر [این حقیقت را] نمی‌دانید [که پیامبران از جنس بشر بودند] از اهل دانش و اطلاع پرسید [تا دیگر نگویند که چرا فرشته‌ای به رسالت نازل نشده است؟!]. این آیه

اشارت دارد به این که سؤال جاهل از عالم یک اصل شرعی است (جعفری، ۱۳۷۶، ۷: ۲۲۶). بدون شک «اهل ذکر» از نظر مفهوم لغوی، تمام آگاهان و مطلعان را در برمی گیرد و آیه فوق بیانگر یک قانون کلی عقلایی در مورد «رجوع جاهل به عالم» است؛ هر چند مورد و مصداق آیه، دانشمندان اهل کتاب بودند، ولی این مانع کلیت قانون نیست. بنابراین مراجعه به پزشک نیز یکی دیگر از راه‌های درمان هیستریک است.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی‌ها مشخص شد که در قرآن و روان‌شناسی، عوامل مختلفی برای درمان هیستریک مطرح شده است. مهم‌ترین عاملی که راهکار درمان این بیماری است، ایمان به خدا و ذکر او است. علاوه بر ایمان به خدا، محاسبه و خوددرمانی نیز یکی دیگر از راهکارهای درمان هیستریک است که در آن اعمال به دقت بررسی و به درمان آن پرداخته می‌شود. توجه کافی و لازم به خانواده و فرزندان یکی دیگر از راهکارهای درمان و پیشگیری هیستریک است. حجاب نیز مانع گرفتار شدن به بیماری هیستریک می‌شود. ازدواج هم از بسیاری از اختلال‌های هیستریکی جلوگیری می‌کند. تقوا و خودنگه‌داری نیز مانع هیستریک و راه درمان آن است. در تقوا فرد خود را از اعمال ناپسند که مورد رضایت خدا نیست، حفظ می‌کند که هیستریک یکی از آنها است. عبادت‌ها مانند نماز و روزه توجهات را به سمت خداوند سبحان می‌برد و فرد را از توجه افراطی به غیر - که مهم‌ترین علت رفتار افراد هیستریکی است - دور می‌کند. توبه به فرد آرامش می‌بخشد و فرد را دوباره به جریان سلامت روانی و دوری از هیستریک برمی‌گرداند و در نهایت باید گفت که مراجعه به پزشک روان‌درمان و آنالیز دقیق فرد نیز یکی از مهم‌ترین راهکارهای درمان هیستریک است.

منابع

* قرآن کریم

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم.
- ۲- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه.
- ۳- ابن منظور، محمد، (۱۴۰۸ق)، لسان‌العرب، به کوشش: علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۴- اخوت، ولی‌الله، (۱۳۶۲)، اختلالات روانی، چاپ اول، تهران، انتشارات راز.
- ۵- امینی، ابراهیم، (۱۳۷۸)، خودسازی تزکیه نفس، چاپ دهم، قم، شفق.
- ۶- بارت ویگ، هیش، (۱۳۸۸)، اختلال شخصیت، چاپ اول، ترجمه: عطاءالله محمدی، تهران، کتاب ارجمند.
- ۷- برک، لورا، (۱۴۰۰)، روان‌شناسی رشد، ۲ جلدی، تهران، ارسباران.
- ۸- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام، مصر، دارالمعارف.
- ۹- جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.
- ۱۰- جلیلی، احمد، (۱۳۵۵)، سمپوزیوم اختلالات شخصیت، چاپ اول، تهران، بی‌نا.
- ۱۱- حسینی کوهساری، سیداسحاق، (۱۳۸۶)، نگاهی قرآنی بر فشار روانی، قم؛ انتشارات کانون اندیشه جوان، پنجم.
- ۱۲- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، تهران، انتشارات میقات.
- ۱۳- حییم، سلیمان، (۱۳۸۰)، فرهنگ معاصر انگلیسی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه فرهنگ معاصر.
- ۱۴- دیویدسون، کیت، (بی‌تا)، کاربرد شناخت‌درمانی در اختلال‌های شخصیت، چاپ اول، ترجمه: گیتی شمس، تهران، انتشارات رشد.
- ۱۵- دیویسیون، نیل جانسون، (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه: حمید شمسی‌پور، تهران، کتاب ارجمند.
- ۱۶- راغب اصفهانی، (۱۴۱۲ق)، مفردات، به کوشش: صفوان داوودی، دمشق، دارالقلم.
- ۱۷- رجبی، عباس، (۱۳۸۸)، حجاب و نقش آن در سلامت روان، چاپ پنجم، قم، مؤسسه آموزش و پژوهشی امام خمینی.
- ۱۸- ریس، ویلیام لولین لینفورد، (۱۳۶۴)، ترجمه: عظیم وهاب‌زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۹- زبیدی، مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس، به کوشش: علی شیری، بیروت، دارالفکر.
- ۲۰- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، (۱۳۸۰)، تفسیر سورآبادی، علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، فرهنگ نشر نو.
- ۲۱- شیلی‌هاید، جانت، (۱۳۸۷)، روان‌شناسی زنان، چاپ دوم، ترجمه: اکرم خمسه، تهران، ارجمند.
- ۲۲- صادقی، مجید، (۱۳۸۱)، «مفهوم هیستریک»، نشریه تازه‌های علوم‌شناختی، سال چهارم، ش ۱.
- ۲۳- صانعی، مهدی، (۱۳۸۲)، بهداشت روان در اسلام، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.

- ۲۴- طباره، عبدالفتاح، (۱۳۸۳)، گناهان و لغزش‌ها از دیدگاه اسلام، چاپ سوم، ترجمه: محمد صالح سعیدی، تهران، نشر احسان.
- ۲۵- طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلدی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۶- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، جوامع الجامع، ۶ جلدی، چاپ دوم، ترجمه: جمعی از مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۲۷- طبری، محمد بن جریر بن یزید، (۱۴۱۵ق)، جامع البیان، به کوشش: جمیل العطار صدقی، بیروت، دارالفکر.
- ۲۸- طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان، به کوشش: احمد حبیب العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۹- عاملی، حر، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- ۳۰- عزیزاده، مصطفی، (۱۳۷۱)، گفتاری چند در مورد شخصیت سالم و ناسالم، چاپ اول، تهران، کاوش.
- ۳۱- قرائتی، محسن، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۳۲- قرشی، سیدعلی‌اکبر، (۱۳۸۶)، قاموس القرآن، چاپ یازدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۳- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۷ق)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۳۴- قریشی، فخرالسادات، (۱۳۷۶)، دیدگاه اسلام در روان‌شناسی رشد، چاپ اول، تبریز، انتشارات احراز تبریز.
- ۳۵- کاپلان، هارولد؛ سادوک، بنیامین، (۱۳۶۹)، نروزها و اختلالات شخصیت، چاپ سوم، ترجمه: نصرت‌الله پورافکاری، تبریز، رسالت.
- ۳۶- کارنیجی، دیل، (بی‌تا)، دع القلق و ابدأ الحیاه، چاپ پنجم، ترجمه: عبدالمنع زبیدی، قاهره، مکتب الفانجی.
- ۳۷- کلمز، هریس؛ کلارک، امینه؛ بین، رینولد، (۱۳۷۵)، روش‌های تقویت عزت‌نفس در نوجوانان، چاپ دوم، ترجمه: پروین علیپور، مشهد، مؤسسه و چاپ انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۳۸- گلشنی، فاطمه، (۱۳۸۸)، اختلال شخصیت، چاپ اول، تهران، قطره.
- ۳۹- ماوردی، علی بن محمد، (۱۴۱۲ق)، النکت و العیون، ۶ جلدی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۴۰- مدرسی، محمدتقی، (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت (من هدی القرآن)، چاپ اول، ترجمه: جمعی از مترجمان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۴۱- مصطفوی، حسن، (۱۳۷۴)، التحقیق، تهران، وزارت ارشاد.
- ۴۲- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۴۳- نجاتی، عثمان محمد، (۱۳۷۲)، قرآن و روان‌شناسی، چاپ سوم، مشهد، بنیاد و پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۴۴- نجفی خمینی، محمدجواد، (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، ۱۸ جلدی، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامیه.

References

- 1- The Holy Quran
- 2- Ibn Babawaih, Muhammad ibn Ali (Sheikh Saduq), (1413 A.H), Man la Yahzuruhu'l Faqeeh, Qom, Jamia al-Mudarrisin Publications.
- 3- Ibn Faris, Ahmad, (1404 A.H), Mu'jam Maqayis al-Lughah, Qom, Publications of the Office of Islamic Propaganda of the Seminary of Qom.
- 4- Ibn Manzur, Muhammad, (1408 AH), Lisan Al-Arab, prepared by: Ali Shiri, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- 5- Ukhuwat, Waliullah, (1983), Mental Disorders, 1st Edition, Tehran, Raz Publications.
- 6- Amini, Ebrahim, (1378), Self-cultivation Tazkiyat al-Nafs, 10th Edition, Qom, Shafaq.
- 7- Barnett Whig, Heather, (2009), Personality Disorder, 1st Edition, Translated by: Ataullah Mohammadi, Tehran, Ketab Arjmand.
- 8- Burke, Laura, (1400), Developmental Psychology, Volume 2, Tehran, Arasbaran.
- 9- Tamimi Maghribi, Nu'man bin Muhammad, (1385 A.H), Da'aim al-Islam, Egypt, Dar al-Ma'arif.
- 10- Jafari, Yaqub, (1376), Tafsir Kowsar, Qom, Hijrat Publishing Institute.
- 11- Jalili, Ahmad, (1976), Symposium on Personality Disorders, 1st Edition, Tehran, Anonymous.
- 12- Hosseini Kouhsari, Seyed Ishaq, (2007), A Quranic look at psychological stress, Qom; Young Thought Center Publications, 5th.
- 13- Hosseini Shah Abdolazimi, Hossein Ibn Ahmad, (1363), Tafsir Ithna-Ashari, 1st Edition, Tehran, Miqat Publications.
- 14- Haim, Soleiman, (2001), Contemporary English Culture, 2nd Edition, Tehran, Institute of Contemporary Culture.
- 15- Davidson, Keith, (No date), the application of cognitive therapy in personality disorders, 1st Edition, translated by: Giti Shams, Tehran, Roshd Publications.
- 16- Davidson, Neil Johnson, (2009), Psychopathology, translated by: Hamid Shamsipour, Tehran, Ketab Arjmand.
- 17- Ragheb Esfahani, (1412 A.H), Mufradat, prepaed by: Safwan Davoodi, Damascus, Dar al-Qalam.
- 18- Rajabi, Abbas, (2009), Hijab and its role in mental health, 5th Edition, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
- 19- Rees, William Llewellyn Linford, (1364), translated by: Azim Wahhabzadeh, Tehran, University Publishing Center.
- 20- Zubaydi, Morteza, (1414 A.H), Taj al-Arus, prepared by: Ali Shiri, Beirut, Dar al-Fikr.
- 21- Surabadi, Abu Bakr Atiq Ibn Muhammad, (1380), Turasir Surabadi, Ali Akbar Saeedi Sirjani, Tehran, Farhang Nashr-e No.
- 22- Shibli Hyde, Janet, (2008), Women's Psychology, 2nd Edition, translated by: Akram Khamseh, Tehran, Arjmand.
- 23- Sadeghi, Majid, (2002), Concept of Hysteria, Journal of Cognitive Science News, 4th Year, Vol 1.

- 24- Sanei, Mehdi, (2003), Mental Health in Islam, 1st Edition, Qom, Boostan-e Ketab.
- 25- Tabareh, Abdolfattah, (1383), Sins and slips from the perspective of Islam, 3rd Edition, translated by: Mohammad Saleh Saeedi, Tehran, Ehsan Publishing.
- 26- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hussein, (1390), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 20 Volumes, Beirut, Scientific Institute for Publications.
- 27- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, (1998), Jawame' 'al-Jame', 6 Volumes, 2nd Edition, translated by: a group of translators, Mashhad, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- 28- Tabari, Muhammad ibn Jarir ibn Yazid, (1415 A.H), Jame' Al-Bayan University, prepared by: Jamil Al-Attar Sidqi, Beirut, Dar al-Fikr.
- 29- Tusi, Muhammad ibn Hasan, (No date), Al-Tibyan, prepared by: Ahmad Habib Al-Ameli, Beirut, Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
- 30- Ameli, Hurr, (1409 A.H), Wasa'il al-Shia, Qom, Alu'l-bayt Institute.
- 31- Alizadeh, Mostafa, (1992), A few words about healthy and unhealthy personality, 1st Edition, Tehran, Kavosh.
- 32- Qeraati, Mohsen, (2004), Tafsir Noor, 11th Edition, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Quran.
- 33- Qurashi, Sayyid Ali Akbar, (1986), Qamoos al-Qur'an, 11th Edition, Tehran, Islamic Library.
- 34- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad, (1417 A.H), Al-Jami li-Ahkam al-Quran, Beirut, Dar al-Kitab al-ilmiyyah.
- 35- Qureshi, Fakhru-Sadat, (1997), Islamic Perspective on Developmental Psychology, 1st Edition, Tabriz, Ehraz Tabriz Publications.
- 36- Kaplan, Harold; Sadok, Benjamin, (1990), The Neurosis and Personality Disorders, 3rd Edition, translated by: Nusratullah Pourafkari, Tabriz, Resalat.
- 37- Carnegie, Dale, (No date), Da' al-Qalaq wa-bda' al-Hayat, 5th Edition, translated by: Abdul Mana' Ziadi, Cairo, Al-Fanji School.
- 38- Colmes, Harris; Clark, Amina; Bean, Reynolds, (1996), Methods of boosting self-esteem in adolescents, 2nd Edition, translated by: Parvin Alipour, Mashhad, Astan Quds Razavi Publishing House.
- 39- Golshani, Fatemeh, (2009), Personality Disorder, 1st Edition, Tehran, Qatreh.
- 40- Mawardi, Ali ibn Muhammad, (1412 A.H), Al-Nukat wa Al-Oyun, 6 Volumes, Beirut, Dar al-Kitab al-Ilmiyyah.
- 41- Modarressi, Mohammad Taghi, (1998), Tafsir Hedayat (Min Huda al-Qur'an), 1st Edition, translated by: a group of translators, Mashhad, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- 42- Mostafavi, Hasan, (1374), Al-Tahqiq, Tehran, Ministry of Guidance.
- 43- Makarem Shirazi, Naser, (1995), Tafsir Nomooneh, 1st Edition, Tehran, Islamic Library.
- 44- Nejati, Osman Mohammad, (1372), Quran and Psychology, 3rd Edition, Mashhad, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- 45- Najafi Khomeini, Mohammad Javad, (1398 A.H), Tafsir Asan, 18 Volumes, 1st Edition, Tehran, Islamic Publications.